

تحلیل مضامین عاشورایی در مرثیه‌های «رجب البرسی»

دکتر مجید محمدی^۱

بهناز نظری^۲

ایمان قنبری اقدام^۳

چکیده

شعر شیعی عاشورایی یکی از شاخه‌های پر بار ادب اسلامی و دربردارنده پیامی الهی و انسانی و هماهنگ با فطرت سلیم بشری است. در این میان شاعرانی متعهد با بهره‌گیری از ذوق شعری و قریحه خدادادی، نام خود را بر تارک ادبیات جاودانه ساخته‌اند. رجب البرسی از ادیبان برجسته شیعی است که عمده تلاش خود را در جهت احیای فرهنگ و سنت شیعه قرار داده و در این راستا آثاری برجسته را به جامعه دینی عرضه داشته است. دیوان شعری او را که سرشار از مدح و رثای اهل بیت علیهم‌السلام است، می‌توان بخش مغفول در آثار او دانست که زیباترین بخش آن سوگ‌سروده‌های شاعر در رثای امام حسین علیه‌السلام است. پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی، مسایل مذکور را مورد بررسی قرار دهد و از این منظر دریچه‌ای را به اشعار وی باز نماید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شاعر به مسایلی هم‌چون وصف شجاعت و دلاوری امام حسین علیه‌السلام، تصویر شقاوت دشمن، بیان حال کائنات از مصیبت وارده بر امام حسین علیه‌السلام، ترسیم سیمای مظلومانه امام حسین علیه‌السلام، اندوه و زبان حال شخصیت‌های مصیبت زده حادثه کربلا، انتقام امام مهدی علیه‌السلام و قضاییایی از این دست پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که شاعر با توجه به آگاهی بالا که عمدتاً برخاسته از بنیة علمی وی و به ویژه تاریخ اسلام است، به خوبی توانسته تصویری واقع‌گرایانه را نسبت به حماسه عاشورا که برخاسته از عاطفه راستین او است، ارائه دهد.

واژگان کلیدی: ادبیات عاشورایی، مرثیه، رجب البرسی، شعر عربی.

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، نویسنده مسئول mohammadimajid@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی behnaznazari0832@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی imanghanbariaghdam@yahoo.com

مقدمه

«شعر عاشورایی» یا به عبارت دیگر «شعر حسینی» یکی از عاطفی‌ترین، اثرگذارترین و صادق‌ترین اشعار در ادب عربی و هم‌چون نگینی درخشان در حلقه ادبیات مکتبی است. شعر حسینی، سینه به سینه جزئیات حماسه عاشورا و مقتل امام حسین علیه السلام را به نسل بعد منتقل کرد و این امر موجب جاودانگی متقابل شعر و پویایی حماسه کربلا گردید. (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۴۷)

مرثیه‌های عاشورایی در ادب شیعی، از جمله صادق‌ترین انواع سوگنامه‌ها به شمار می‌روند؛ چرا که نه تنها به واسطه سرودن آن، شاعر به صله و پاداشی چشم نداشت؛ بلکه چه بسا به همین خاطر با خطرات مالی و جانی نیز روبه‌رو می‌شد. (توکلی محمدی و حسارودی، ۱۳۹۵: ۴۴) ادبیات متعهد شیعی، از دیرباز عرصه هنرنمایی شاعرانی است که قلم و قریحه خدادادی خویش را در جهت حفظ و نشر مفاهیم و اعتقادات آن به کار برده‌اند؛ با ورود نهضت عاشورا به میدان شعر و ادب شیعه، این نوع، جلوه‌های متمایز به خود گرفت؛ «عاشورا با شوری که آفرید و شعوری که گسترده و خروشی که در انداخت و تحولی که آفرید و آتشی که در ارواح افکند و تحرکی که به جان‌ها بخشید و بیداری‌ای که در ملت اسلام ایجاد کرد و حرکتی که به آبادی‌ها و شهرهای اسلام داد (و نیز تأثیر عمیق و تکان‌دهنده‌ای که بر غیر مسلمانان نیز گذاشت) و انقلاب‌هایی که پدید آورد، اسلام را بیمه کرد و قرآن را برای بشریت نگه داشت و تداوم تاریخ اسلام را تضمین نمود. (حکیمی، ۱۳۷۷: ۷۳)

«شاید به جرأت بتوان ادعا کرد در کم‌تر حادثه‌ای شاعران بسان این حادثه به میدان آمده و با سوز و گداز درونی و حماسه و خروش بیرونی از آن سخن گفته باشند. شدت حادثه و دردناکی تراژدی کربلا، اشک و احساس شاعر را بی‌اختیار به جوشش واداشت و در ادب سرازیر کرد؛ از این رو، رثا یکی از برجسته‌ترین اغراض شعر حسینی در همه دوره‌ها به شمار آمده است. از سوی دیگر، ضربه بیدادگری که امام حسین علیه السلام بر غیرت خفته دینی نواخت، شور و سوز احیای سنت پیامبر و عطش حاکمیت صالحان را در جامعه زنده کرد و در قالب اشعار حماسی به دامن ادب ریخت» (خزعلی، ۱۳۸۳: ۶۴).

شیخ حافظ رجب البرسی، عارف و عالم شیعی از جمله ادیبان به نامی است که عمده تلاش خود را در جهت اشاعه فرهنگ دینی-اسلامی و به ویژه مذهب شیعه به کار گرفته است؛ افزون بر تألیفات پر شمار که وی به جامعه دینی عرضه داشته است، دیوان شعر گرانسنگی از بررسی بر جای مانده است که غالب آن را مدح و رثای پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بزرگوار ایشان

تشکیل می‌دهد؛ در این میان، مرثیه‌های حسینی را می‌توان به عنوان نقطه اوج و جلوهای متمایز در دیوان برسی دانست؛ از این رو نگارندگان در این جستار به دنبال آن بوده‌اند تا با نگاهی کلی به سوگ سروده‌های این شاعر توانا، برجسته‌ترین مضامین نهفته در آن‌ها را تحلیل و بررسی کنند و از این منظر به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

۱- پرسش‌های پژوهش

- برجسته‌ترین مضامین نهفته در اشعار عاشورایی رجب البرسی کدام هستند؟
- بهره‌گیری از این مضامین تا چه اندازه شاعر را در ترسیم سیمای حماسه عاشورا یاری ساخته است؟

۲- ضرورت، اهمیت و هدف

بررسی نگاه شاعرانه رجب البرسی به نهضت عاشورا و نیز معرفی وی به عنوان یکی از شاعران توانای ملتزم شیعی، از اصلی‌ترین دلایل ضرورت نگارش این جستار است؛ افزون بر این، از آن جا که شعر از برترین وسایل تأثیر بر دیگران و نشر معارف است، پرداختن به اشعاری از این دست، گامی بزرگ جهت ترویج فرهنگ و ماندگاری نهضت حسینی محسوب می‌شود.

۳- روش تحقیق و چارچوب نظری

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و نیز فضای مجازی، فرآیند پژوهش پیش رفته است؛ نخست با شرحی از زندگی شاعر سپس بررسی مضامین برجسته در مرثیه‌های حسینی او، صورت پذیرفته است.

۴- پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌هایی فروان درباره ادبیات عاشورایی و بررسی سروده‌های شاعران در این بخش صورت گرفته است؛ از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌های:

۱- «امام حسین در شعر معاصر عربی»، (خزعلی، ۱۳۸۳)، ۲- «عاشورا در آیین شعر معاصر»،

(انصاری، ۱۳۹۰) اشاره نمود و مقالاتی همانند دو مقاله ذیل برشمرد:

۳- «سیمای امام حسین علیه السلام در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی (با تکیه بر اشعار برجسته شاعران سده اخیر)»، (آلبویه لنگرودی و انصاری، ۱۳۸۹) که در آن نویسندگان به بررسی اشعار برجسته برخی شاعران عاشوراسرای این بازه زمانی پرداخته‌اند؛ ۴- «تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعه، بررسی تطبیقی شعر حماسی- آیینی عاشورایی در گستره ادبیات عربی و فارسی» (سیدی و استادی، ۱۳۸۸) که نویسندگان آن اقدام به بررسی اغراض شعری، مضامین، ساختار لفظی، معنوی، پیامدهای ارزشی و ادبی در شعر عاشورایی نموده‌اند؛ اما تاکنون پژوهشی که سوگ سروده‌های حسینی رجب البرسی را تحلیل و بررسی قرار کرده باشد، یافت نشد؛ این پژوهش می‌کوشد مضامین اشعار حسینی این شاعر را استخراج و تحلیل نماید.

۵- پردازش تحلیلی موضوع

حماسه عاشورا، عصاره تلاش و جهاد همه انبیا و اولیا در طول تاریخ است، چنان که سرزمین کربلا، زبان گویای همه زمین‌هایی است که پذیرای قدوم قدسیان بوده و خون پاکشان را به جان نبوشیده‌اند. از این رو در تحلی با رموز مقدس تاریخ، پیروز و سرافراز می‌درخشد. شعرا و ادبا نیز این رموز را در آن زمان و مکان و در قهرمان بزرگش مجسم می‌بینند؛ لذا با مقوله شعر به دلیل قدرت نفوذ بسیار، فراگیری همه اقشار، توان عاطفی سرشار، احساس خویش را بیان نمودند و در حقیقت با سروده‌هایشان بخشی از ادبیات غنی شیعه را به وجود آوردند و تصویری درخشان از مظلومیت، حقانیت و عظمت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ارائه نمودند. (فلاح، ۱۳۹۰: ۱۴۶) در این بخش با بیان شواهدی از شعر برسی به تحلیل محتوای مرثیه‌های وی پرداخته شده است.

۵-۱: جلوه حماسی واقعه عاشورا

عاشورا عرصه خلق حماسه‌های دلیرانه امام حسین علیه السلام و یارانی بود که در راه ادای تکلیف الهی جانفشانی‌های بسیار نمودند؛ شاعران متعهد در قصیده‌های دینی خود به خصوص در سوگ‌نامه‌های حسینی، از برخی تعابیر شعر حماسی بهره برده‌اند. در حقیقت آنان با استفاده از این تعابیر بر آن بوده‌اند که دلاوری‌های امام حسین علیه السلام و یارانش را با شور و اشتیاق فراوان وصف نمایند؛ عدم ترس از مرگ در جهت اجرای تکالیف الهی، امری بود که خلق حماسه‌ای جاودیدان از امام

حسین علیه السلام و اصحاب ایشان در واقعه عاشورا را در پی داشت؛ به عبارتی، همین جنبه اعتقادی سبب شد که امام شجاعانه در کارزار کربلا گام نهد و جان خود را در مسیر احیای حق قرار دهد. امام حسین علیه السلام آن گاه که از سوی یزیدیان به بیعت فراخوانده شد، با بیان این عبارت که: «لَيْسَ شَأْنِي شَأْنُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ»؛ «شأن و موقعیت من، موقعیت کسی نیست که از مرگ بهراسد.» (حسینی مرعشی، ۱۳۶۲: ۶۰۱) عزم و اراده راستین خود در این امر را نشان داد.

برسی در ابیات زیر با استعمال برخی از این تعابیر، شهادت امام حسین علیه السلام در کارزار عاشورا را به نظم در آورده است؛ به تعبیر شاعر، آن گاه که امام علیه السلام با شهادت یاران و اصحاب خود مواجه شد، بدون ترس و واهمه از مرگ، دلیرانه به میدان نبرد پای نهاد و با شجاعتی بی بدیل به سپاه دشمن تاخت:

فَلَمَّا رَأَى الْمَوْلَى الْحُسَيْنُ رِجَالَهٗ
غَدَا طَالِبًا لِلْمَوْتِ كَاللَيْثِ مُغْضِبًا
وَفُتْيَانَهُ صَرَغَى وَشَادِي الرَّدَى يَشْدُوا
وَإِنْ جَمَعُوا سَبْعِينَ أَلْفًا لِقَتْلِهِ
يُحَامِي عَنِ الْأَشْبَالِ يَشْتَدُوا إِنْ شَدُوا
إِذَا كَرَّ فَرُّوا مِنْ جَرِيحٍ وَوَاقِعِ
فَيَحْمِلُ فِيهِمْ وَهُوَ يَبْنِيهِمْ فَرْدُ
ذَبِيحٍ وَمَهْرُومٍ بِهِ طَوَّحَ النَّهْدُ

(برسی، ۲۰۱۵: ۹۲-۹۳)

«آن گاه که مولی حسین علیه السلام، مردان و جوانان (سپاهش) را به خاک افتاده دید در حالی که پیک مرگ آوای مرگ سر داد، غضبناک همانند شیر، طالب مرگ شد و از شیر بچه‌های خود حمایت می‌کرد/ اگر هفتاد هزار را برای کشتن او جمع کنند، در حالی که تنها است به آنان حمله می‌کند/ هنگامی که حمله می‌کرد دشمنان گروهی زخمی و گروهی کشته بر زمین افتادند و شکست خوردگانی که شتافتن به سوی میدان جنگ آن‌ها را به اضطراب افکنده بود، از برابر او می‌گریختند.»

برسی در این ابیات، در قالب تشبیهی زیبا امام علیه السلام را در شجاعت به شیری خشمگین که از شیر بچه‌های خود محافظت می‌کند و از آنان در برابر خطرها مراقبت می‌نماید، تشبیه می‌کند و به این ترتیب به گوشه‌ای از شهادت امام علیه السلام در دفاع از حریم خود اشاره کرده است؛ افزون بر این

انتخاب واژگانی هم چون «جریح، واقع، ذبیح و مهزوم» شاعر را برای خلق تصویری حماسی یاری ساخته است.

برسی در جایی دیگر، دلآوری‌های امام حسین علیه السلام در روز عاشورا را با جنگاوری امام علی علیه السلام در جنگ‌های خیبر، بدر و احد پیوند زده و آن را نمونه‌های از خصلتی برگرفته از ایشان تعبیر کرده است:

فِيخْمِلُ فِيهِمْ حَمْلَةً عَلَوِيَّةً بِهَا الْعُوَالِي فِي أَعَالِي الْعِدَى قَصْدُ
كَفِعَلِ أَبِيهِ حَيْدَرَ يَوْمَ خَيْبَرَ كَذَلِكَ فِي بَدْرٍ وَبَعْدَهَا فِي أُحُدٍ

(همان، ۹۳-۹۴)

«با حمله‌ای علوی بر آنان می تازد که در آن یورش نیزه‌های بلند را در نیزه‌های بلند دشمنان فرو می‌کند. / به سان عمل پدرش حیدر در روز خیبر و نیز در بدر و پس از آن در جنگ احد.»

۵-۲: شقاوت دشمن

عاشورا جلوه‌گاهی از شقاوت و بی‌رحمی دشمنانی است که به سبب بغض و کینه دیرینه‌شان نسبت به آل علی علیهم السلام رو در روی فرزند ایشان صف کشیدند و نهایت سنگدلی را در حق وی و اصحابشان به جا آوردند. برسی در ابیات زیر با به تصویر کشیدن تصویر مظلومانه شهادت امام حسین علیه السلام اقدام ناجوانمردانه شمر و سپاه دشمن با پیکر بی‌جان آن حضرت را به تصویر کشیده و در ادامه اندوه خود را از این حادثه درناک ابراز داشته است:

وَشِمْرُ شَمَّرَ الدَّبِيلَ فِي حَزْرٍ رَأْسِهِ أَلَا قُطِعَتْ مِنْهُ الْأَنَامِلُ وَالزُّنْدُ
فَمَا حُزْنُ قَلْبِي لِلْكَرِيمِ عَلَا عَلَيَّ سِنَانِ سِنَانٍ وَالْخَيْوَلُ لَهَا وَحُدُ

(همان، ۹۶)

«شمر کمر به بریدن سر او بست؛ ای کاش! که انگشتان و بند دست او قطع می‌شد. / اندوه قلبم بر کریمی که بر سر نیزه بالا رفت و اسب‌ها بر او شتاب گرفتند (بر او تاختند).»
در ابیات فوق، شاعر با خلق تصویری واقعی از حادثه عاشورا، گوشه‌ای از آن چه در واقعه عاشورا را بر امام حسین علیه السلام گذشت نمایان ساخته و از این منظر رفتار شقیانه و از سر کینه دشمنان در برابر امام علیه السلام را نشان داده است.

۵-۳: عالم گیر بودن سوگ عاشورا

عاشورا، اندوه‌بارترین فاجعه‌ای است که در طول تاریخ اسلام در حق اهل بیت علیهم‌السلام روا داشته شد؛ مصیبتی که تمام اجزای هستی از عظمت آن در اندوه فرو رفته است. برسی، در بخشی از مرثیه خود، با بهره‌گیری از فرازهایی از زیارت مبارک «ناحیه مقدسه» از عالم گیر بودن مصیبت آن حضرت سخن به میان آورده است «... وَ أُقِيمَتْ لَكَ الْمَاتِمُ فِي أَعْلَى عَلَيَّيْنِ لَطَمَتْ عَلَيْكَ الْخُورُ الْعَيْنُ، بَكَتِ السَّمَاءُ وَ سُكَّانُهَا، وَ الْجِنَانُ وَ حَزَائِنُهَا، وَ الْهَضَابُ وَ أَقْطَارُهَا وَ...» (گروهی از محققان، ۱۳۸۷: ۴۸)، «... مجالس ماتم و سوگواری برای تو در اعلا علیین برپا شد و حور العین به جهت تو به سر و صورت زدند (در عزای تو) آسمان و ساکنانش، بهشت‌ها و نگهبانانش، کوه‌ها و کوهپایه‌ها...»

برسی در ضمن ابیاتی که در آن تصویری از عظمت واقعه عاشورا به دست داده است، از عالم-گیر بودن ماتم و عزای امام حسین علیه‌السلام سخن به میان آورده است:

وَكَاذَتْ لَهُ شَمُّ الشَّمَارِيخِ تَنْهَهُدُ	زَلَزَلَتْ السَّبْعُ الطَّبَاقُ لِقْفُودِهِ
وَصَحَّجَتْ لَهُ الْأُمْلَاكُ وَانْفَجَرَ الصَّلْدُ	وَأَرْجَفَ عَرْشُ اللَّهِ مِنْ ذَاكَ خَيْفَةً
وَلِلْجِنِّ إِذْ جَنَّ الظَّلَامُ بِهِ وَجَدُ	وَنَاحَتْ عَلَيْهِ الطَّيْرُ وَالْوَحْشُ وَحْشَةً
عَلَاهَا إِصْفِرَارُ إِذْ تَرُوحُ وَادُّ تَغْدُو	وَسَمْسُ الصُّحَى أَمْسَتْ عَلَيْهِ عَيْلَةً

(برسی، ۲۰۱۵: ۹۶)

«آسمان هفت گانه از (غم) از دست دادن او به لرزه افتاد و نزدیک بود که شاخه‌های درخت خرما در غم او آه سر دهد./ و عرش خداوند به خاطر ترس از آن، به رعشه افتاد و ملائکه از برای او به ضجه افتادند و زمین سخت از هم شکافت./ و پرندگان و حیوانات از وحشت آن نوحه سر دادند و جنیان آن گاه که تاریکی فراگیر شود همه‌می‌کنند/ و خورشید ظهر (به خاطر مصیبت او) مریض گشت و هنگام رفتن و آمدن زردی از او بالا رفت (زردی او را فرا گرفته است).»

وی با بهره‌گیری از آرایه ادبی تشخیص و نسبت دادن صفاتی از قبیل «ضجّه، ناله، بیماری، گریه و...» به پدیده‌های بی‌جان طبیعت، با ذوق شاعرانه خود توانسته است تصویری از گستره این اندوه در عالم را در برابر خواننده مجسم کند.

۵-۴: ترسیم سیمای مظلومانه امام حسین علیه السلام

مظلومیت، صفتی است که بارزترین جلوه خود را در امام حسین علیه السلام یافته به گونه‌ای که همواره با نام ایشان عجین بوده است؛ امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَا قُتِلَ مَظْلُومًا»، «حسین علیه السلام صاحب کربلا، مظلومانه کشته شد.» (نوری، ۱۴۰۸: ۲۳۹) در جایی دیگر ابوبصیر از این امام علیه السلام بزرگوار نقل می‌کند که: «هر کس دوست دارد که بهشت مسکن و جایگاهش باشد، زیارت مظلوم را ترک نکند. عرض کردم: مظلوم کیست؟ امام فرمود: حسین بن علی علیه السلام شهید کربلا (مجلسی، بی تا: ۶۶/۹۸).

در شعر شاعر، مظلومیت امام حسین علیه السلام با خلق مضامینی همانند غربت، عدم کفن و دفن وی پس از شهادت، تشنگی و عطش ایشان و تاخت و تاز چهارپایان سپاه دشمن بر پیکر مقدس آن حضرت همراه است؛ به طوری که بررسی با بیان چنین مضامینی علاوه بر ترسیم مظلومیت امام علیه السلام، به خوبی تصویری واضح را از حوادث کربلا در برابر خواننده مجسم کرده است:

فَيَا لَكَ مَقْتُولًا بَكَتَهُ السَّمَاءُ دَمًا	وَتَلَّ سَرِيرُ الْعِزِّ وَأَنْهَدَمَ الْمَجْدُ
شَهِيدًا غَرِيبًا نَازِحَ الدَّارِ ظَامِيًا	ذَبِيحًا وَمِنْ قَنَائِي الْوَرِيدِ لَهُ وَرْدُ
بِرُوحِي قَتِيلًا غُسْلُهُ مِنْ دِمَائِهِ	سَلِيلًا وَمِنْ سَافِي الرِّيَّاحِ لَهُ بَرْدُ
تَرَضُّ خِيُولُ الشَّرْكِ بِالْحَقْدِ صَدْرَهُ	وَتَرَضُّخُ مِنْهُ الْجِسْمُ فِي رَكْضِهَا جَرْدُ

(برسی، همان: ۹۶-۹۷)

«عجب کشته‌ای که آسمان برای او خون گریه کرد و سریر عزت از دست رفت و مجد و بزرگی نابود شد. / شگفتا از شهیدی که غریب و تشنه و سر بریده از دار دنیا کوچ کرد در حالی که آبشخور او از خون سرخ رگ‌های گردنش بود. / روحم به فدای کشته‌ای که با خونش غسل داده شد. و از گرد به پا خاسته از بادها عبایی بلند به تن دارد. / اسبان سپاه شرک از روی کینه، سینه او را می‌کوبند و اسبان بی‌مو با دویدن جسم او را می‌شکنند.»

برسی در ابیات پیش از این ضمن بیان اندوه از این فاجعه، با گریان خواندن آسمان از غم فقدان امام علیه السلام بر جنبه حزن‌آلود این مصیبت تأکید می‌کند؛ افزون بر این، شاعر در این ابیات به خوبی توانسته است این مضمون را در پس واژگانی نظیر «مقتول، شهید، غریب، قتیل، سلیب، تشنه و

ذبیح» که هریک بر گوشه‌هایی از مظلومیت ایشان در حادثه کربلا اشاره دارد، قرار دهد. هم‌چنین عاطفه راستین شاعر نسبت به امام حسین علیه السلام را می‌توان در لحن اندوهبار شاعر در بیان این ابیات و نیز ارادت خالصانه وی به وی در قالب عبارت «بروحی قتیلاً» مشاهده کرد.

۵-۵: نسب امام حسین علیه السلام

موضوع نسب امام حسین علیه السلام و محبت زایدالوصف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در تحلیل قضیه کربلا نباید از یاد برد؛ زیرا با این مقیاس کاملاً می‌توانیم بفهمیم که سپاه یزید چگونه مردمی بدون ایده‌آل و منفعت پرست بودند و علی‌رغم احترامی که برای امام حسین علیه السلام در دل قایل بودند، عمل می‌کردند (مطهری، ۱۳۹۱: ۵۰۳/۱۷). مدح نسب آن حضرت، زمانی به اوج می‌رسد که با فضایی مانند شجاعت، درایت، مردانگی و وفاداری درآمیزد. در بخشی دیگر از این اشعار، شاعر نسب امام حسین علیه السلام را در جهت فخر به جایگاه والای ایشان در برابر سپاه دشمن قرار داده است:

هَادِي الْأَمِينِ الْفَاتِحِ	أَلَجِدُ خَيْرَ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدًا أَلْ
بَلْ شَاهِدٌ بَلْ شَافِعٌ بَلْ صَافِحُ	هُوَ خَاتَمٌ بَلْ فَاتِحٌ بَلْ حَاكِمٌ
هَادِي الرَّسُولِ لَهَا الْمُهَيِّمِ مَانِحُ	وَالْأُمُّ فَاطِمَةُ الْبَتُولِ وَبَضْعَةُ أَلْ
وَجَمَالِهَا الْوَحْيِ الْمُنَزَّلُ شَارِحُ	حُورِيَّةٌ إِنْسِيَّةٌ لِيَجْلَاهَا
عَلِمَ الْهَدَايَةِ وَالْمَنَارُ الْوَاضِحُ	وَالْوَالِدُ الطُّهْرُ الْوَصِيِّ الْمُرْتَضَى

(همان، ۶۶-۶۸)

«جده او بهترین فرستادگان، محمد، هدایتگر، امین و فاتح، خاتم انبیا نه بلکه گشایشگر امور، حاکم، شاهد، شفیع و درگذرنده. و مادرش فاطمه بتول علیها السلام پاره تن پیامبر هدایتگر است/ که به سبب جلالتش حوریه ای در جنس بشر و زیبایی‌اش شرح دهنده وحی منزل است. و پدرب طاهرش، وصی پیامبر؛ علی مرتضی علیه السلام پرچم و چراغ واضح هدایت است.»

برسی این نسب را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آغاز کرده و ایشان را برترین پیامبران و خاتم آنان و امین خداوند معرفی کرده است؛ سپس با اقتباس از حدیث (فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي)، «فاطمه پاره تن من است هر که او را آزار دهد، مرا آزار داده است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۰۴) از فاطمه زهرا علیها السلام به پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یاد کرده و در آخر با نسبت دادن وصایت به حضرت علی علیه السلام

به ذکر این نسب خاتمه می‌دهد؛ از سوی دیگر، می‌توان این ابیات را به صورت تعریض و اشاره به عمل باطل دشمن دانست، چرا که آنان با وجود علم به جایگاه امام علیه السلام و نسب ایشان، دست به اقدامی قبیحانه زدند و حرمت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را نادیده گرفتند.

۵-۶: شخصیت‌های مصیبت دیده کربلا

شخصیت‌های حاضر در کربلا اعم از قهرمانان و صدقهرمانان، به عنوان آفرینندگان نهضت عاشورا، بخشی عظیم از ادبیات عاشورایی فارسی و عربی را به خود اختصاص داده‌اند و گاه در مقایسه با دیگر موضوعات، حضوری برجسته‌تر دارند. بدون شک، برترین این شخصیت‌ها که نقش محوری در عاشورا ایفا کرده است و به‌طور گسترده به آن پرداخته شده، شخصیت امام حسین علیه السلام می‌باشد (آلبویه لنگرودی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶) افزون بر امام حسین علیه السلام شخصیت‌هایی دیگر، همانند حضرت زینب علیه السلام، حضرت سکینه علیه السلام، امام سجاد علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام شخصیت‌های محوری مرثیه‌های شاعر را تشکیل داده‌اند:

۵-۶-۱: حضرت زینب علیه السلام

حضرت زینب علیه السلام یکی از شخصیت‌های محوری واقعه عاشورا و در حقیقت از پیام‌آوران آن و از شخصیت‌های اصلی مرثیه‌های بررسی به شمار می‌آید. وی با بیانی اندوهبار تصویر غم‌بار زینب علیه السلام در غم فقدان برادر گرامی‌شان را در برابر خواننده مجسم می‌کند:

لَهْفِي زَيْنَبُ وَهِيَ تَنْدُبُ نَدْبَهَا فِي نَدْبِهَا وَالذَّمْعُ سَارِ سَارِحُ
تَدْعُو أَحْيِي يَا وَاحِدِي وَمُؤَمِّلِي مَنْ لِي إِذَا مَا نَابَ دَهْرٌ كَالْحُ
مَنْ لِيْتَامِي رَاحِمٌ؟ مَنْ لِلْأَيَامِي كَأَفْلٍ؟ مَنْ لِلْجَفَاةِ مَفَاصِحُ؟

(برسی، ۲۰۱۵: ۷۱)

«آه من برای زینبی که در نهایت اندوه ناله سر می‌دهد و اشک از چشمانش جاری است. / فریاد می‌زند که ای برادرم ای یگانه من و ای تکیه گاهم پشت و پناه من، اگر مصیبت روزگار عبوس بیاید غیر از تو چه کسی را دارم؟ / چه کسی رحم کننده به یتیمان است و چه کسی به فریاد بیوه زنان می‌رسد چه کسی حامی پا برهنگان است؟»

برسی، در ابیات مذکور با استفاده از واژه‌هایی هم‌چون: «لهفی، تندب، الدمع» به خوبی فضای اندوه را بر مرثیه خود حاکم کرده است؛ افزون بر این، با توجه به سیاق ابیات، شاعر با به کارگیری اسلوب ندا (جارم، ۱۴۲۶: ۲۱۱) در مقصود تحسّر و تفجّع و نیز بیان استفهامی (هاشمی، ۱۳۷۰: ۸۲) که بر معنای نفی دلالت دارد و گنجاندن مفهوم حزن در آن، به خوبی بر جنبه هنری مرثیه خود افزوده است. وی در جایی دیگر ناله‌های غم بار حضرت زینب علیها السلام و استغاثه ایشان از جدّ بزرگوارشان به سبب مصیبتی بزرگ را که بر این خاندان وارد شده به تصویر کشیده است:

وَتَسْتَعِيْثُ بِخَيْرِ الْخَلْقِ صَارِحَةً يَا جَدُّ أَيْنَ الْوَصَايَا فِي دَوِي الرَّحْمِ
يَا جَدَّنَا لَوْ رَأَتْ عَيْنَاكَ مِنْ حُزْنٍ لِلْعِثْرَةِ الْغُرِّ بَعْدَ الصُّونِ وَالْحَشْمِ

(همان، ۱۵۴)

«و در حالی که فریاد می‌زد از برترین آفریدگان طلب یاری می‌کرد؛ ای پدر بزرگ! کجا هستند وصایای صاحب رحم و مروت! ای جدّ بزرگ! ای کاش چشمان تو اندوهی را که بر خاندان بزرگت وارد شده، می‌دید.»

شاعر، در این ابیات با بیانی اندوهگین و حسرت بار زبان حال حضرت زینب علیها السلام در غم شهادت صاحبان رحم و مروت از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به تصویر می‌کشد؛ استفاده از واژه «لو» توسط شاعر در معنای تمنّی (هاشمی، ۱۳۷۰: ۸۷)، به خوبی عمق مصیبتی را که بر حضرت زینب علیها السلام وارد شده است نشان می‌دهد؛ زیرا ایشان آرزو می‌کند که ای کاش پیامبر نیز مصیبتی را که بر خاندانش در صحرای کربلا نازل شد، به چشم می‌دید و به این ترتیب و با شراکت در این اندوه، اندکی از بار مصیبت او می‌کاست.

۵-۶-۲: سکینه علیها السلام

سکینه علیها السلام، دختر گرامی امام حسین علیه السلام است که همراه با مادرش رباب، در واقعه کربلا حضور داشت و پس از عاشورا، همراه با دیگر بانوان به اسارت درآمد و با کاروان اسرا به کوفه و شام برده شد. شاعر در ابیات زیر به بیان حال ایشان در غم از دست دادن برادر پرداخته است:

هَذِي سَكِينَةٌ قَدْ عَزَّتْ سَكِينَتَهَا وَهَذِهِ فَاطِمٌ تَبْكِي بِفَيْضِ دَمٍ
تَهْوِي لِتَقْبِيلِهِ وَالذَّمْعُ مِنْهُمْ مُرٌّ وَالسَّبْتُ عَنْهَا بِكَرْبِ الْمَوْتِ فِي غَمِّمٍ

(برسی، ۲۰۱۵: ۱۵۳)

«این سکینه است که آرامش خود را از دست داده و این فاطمه است که خون می‌گریسد و هم‌چنان که اشک از چشمانش فرو می‌ریزد در هوای بوسیدن او است و روزگار برای اندوهی که به خاطر مرگ عزیزش دارد در غم و اندوه است.» در بیت قبل آمده که تدعو آخاه المستضام... و به ترتیب ضمیر به أخ که مقصود همان امام حسین علیه السلام است، بر می‌گردد.

۵-۶-۳: امام سجاد علیه السلام

سوگواری و بزرگداشت شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش از همان آغاز و توسط فرزندش علی بن حسین علیه السلام ملقب به «سجاد» علیه السلام است. امام سجاد علیه السلام با توجه به حاکمیت مطلق و قساوت امویان که اوج بی‌رحمی خود را در حادثه کربلا نشان داده بودند، دوران امامت خود را در انزوای سیاسی به سر برد و از مناقشات سیاسی کناره‌گیری کرد (پوراحمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۶). برسی، در ترسیم سیمای امام سجاد علیه السلام در شعر خود از مضامینی چون «ولایت» که پس از امام حسین علیه السلام به ایشان رسید و نیز «اسارت» که با تصویر ایشان در حادثه کربلا عجین شده، بهره جسته است:

هَذَا بَقِيَّةُ آلِ اللَّهِ سَيِّدِ أَهْلِ الْأَرْضِ	رُضِ زَيْنُ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ
نَجَلُ الْحُسَيْنِ الْفَتَى الْبَاقِي وَوَارِثُهُ	وَالسَّيِّدُ الْعَابِدُ السَّجَادِ فِي الظُّلْمِ
يُسَاقُ فِي الْأُسْرِ نَحْوَ الشَّامِ مُهْتَضِمًا	بَيْنَ الْأَعَادِي فَمِنْ بَاكِ وَمُتَسِمِ

(همان: ۱۵۵-۱۵۶)

«این باقی مانده آل خدا برترین زمین و زینت تمام عبادت کنندگان است./ جانشین و وارث امام حسین علیه السلام و آقای عبادت کننده امام سجاد علیه السلام در ظلم در میان اسیران به سمت شام در میان دشمنان رانده می‌شود و در این بین عده‌ای گریبان هستند و گروهی می‌خندند.» از سوی دیگر شاعر در ابیات فوق با استفاده از تعبیری، چون سید اهل ارض و زینت بندگان بر جایگاه والای آن حضرت و شأن و منزلت ایشان تأکید داشته و در طرف دیگر با اشاره به دو صفت عابد و سجاد که از صفات عجین شده با اسم ایشان می‌باشد بر خصایل و ویژگی‌های ممتاز وی نظر داشته است.

۶-۵: امام مهدی علیه السلام انتقام گیرنده خون امام حسین علیه السلام

بنا بر روایات، امام مهدی علیه السلام همزمان با ظهور خود، اقدام به گرفتن انتقام خون امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا از عاملان این فاجعه خواهد کرد. از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»؛ «و هر آن که مظلوم کشته شود، پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم، پس مباد در کشتن اسراف کند که او منصور است» (اسراء/۳۷) پرسیده شد او کیست؟ حضرت فرمودند: «آن قائم (آل بیت) محمد صلی الله علیه و آله است، خروج می کند و به انتقام خون حسین علیه السلام (دشمنان او را) می کشد. پس چنانچه اهل زمین را به قتل برساند، مسرف نخواهد بود. (بحرانی، ۱۳۷۶: ۲۲۵-۲۲۶) علاوه بر این، در دعای ندبه نیز از امام مهدی علیه السلام به عنوان منتقم خون شهدای «کربلا» یاد شده است: «أَبْنِ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؛ کجاست آن که به خون خواهی شهید کربلا به پا می خیزد؟» (مجلسی، بی تا: ۲۹۲/۹۵). برسی در ابیات زیر ضمن اشاره به گرفتن انتقام خون امام حسین علیه السلام و یارانش توسط امام عصر علیه السلام به برپایی مدینه فاضله مهدوی اشاره می کند که با حضور ایشان ظلم و کفر از بین می رود و پایه و اساس دین را با عدالت محکم می کند:

فَلَيْسَ لِأَخْذِ الثَّارِ إِلَّا خَلِيفَةٌ
هُوَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ وَالسَّيِّدُ الَّذِي
هُوَ الْخَلْفُ الْمَأْمُولُ وَالْعَلَمُ الْفَرْدُ
إِذَا سَارَ أَمْلَاكُ السَّمَاءِ لَهُ جُنْدُ
يُشِيدُ رُكْنَ الدِّينِ عِنْدَ ظُهُورِهِ
عُلُوقًا وَرُكْنَ الشَّرْكِ وَالْكَفْرِ يَنْهَدُ

(برسی، ۲۰۱۵: ۱۰۰)

«برای گرفتن انتقام کسی جز جانشینی که او تنها جانشین و یگانه نشانه هدایت است، وجود ندارد و کفر نابود می شود/ او کسی جز مهدی قائم علیه السلام و سیدی که وقتی فرشتگان آسمان سپاه او شوند/ پایه و اساس دین و شرف را با ظهورش محکم می کند و کفر را نابود می سازد.»

۸-۵: انتقام اخروی

شاعر در جایی دیگر علاوه بر انتقام دنیوی که با ظهور امام عصر علیه السلام صورت خواهد پذیرفت، از انتقامی اخروی سخن به میان می آورد، آن هنگام که در روز قیامت فاطمه علیه السلام از راست زمین با فریادی پر از اندوه شکایت سر می دهد و انتقام خون حسین علیه السلام را می طلبد:

يَا وَيْلَهُ حِينَ تَأْتِي الظُّهُرُ فَاطِمَةُ	فِي الْحَشْرِ صَارِحَةً فِي مَوْقِفِ الْأَلَمِ
تَأْتِي فَيَطْرُقُ أَهْلُ الْجَمْعِ أَجْمَعُهُمْ	مِنْهَا حَيَاءً وَجَهَ الْأَرْضِ فِي قَتَمِ
وَتَشْتَكِي عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ صَارِحَةً	وَتَسْتَعِيثُ إِلَى الْجَبَّارِ ذِي النَّقَمِ
هُنَاكَ يَظْهَرُ حُكْمُ اللَّهِ فِي مَالٍ	عَضُوا وَخَانُوا فَيَا سُحْقًا لِفِعْلِهِمْ

(همان، ۱۵۶)

«ای وای بر او (قاتل امام حسین علیه السلام) آن گاه که فاطمه علیها السلام در روز قیامت فریاد زنان در حالت اندوه می آید/ پس اهل محشر به سبب شرم از آن حضرت سرهای خویش را به زیر می افکنند و رخساره زمین سیاه می شود (چهره زمین به سیاهی می زند)/ و از سمت راست عرش با صدای بلند به شکایت بر می خیزد و از خدای جبار و منتقم دادخواهی می کند./ آن جا حکم خداوند درباره جماعتی که عصیان و خیانت کردند، آشکار می شود، پس لعنت بر کارشان باد (چه کار زشت و ناپسندی انجام دادند.»

شاعر با بهره گیری از اسلوب تکرار در واژه «تأتی» در پی القا و تثبیت این معنی در ذهن مخاطب است که دادخواهی حضرت فاطمه علیها السلام در صحرای محشر امری قطعی است که حتماً تحقق خواهد یافت. هم چنین بیان افعالی از قبیل تشکی و تستغیث ضمن اشاره به حزن نهفته در آن حضرت در روز قیامت بر بار عاطفی این ابیات افزوده است.

۹-۵: بیان مناقب اهل بیت علیهم السلام

بخشی دیگر از مرثیه های شاعر را، بیان مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام شکل می دهد که به طور عمده در این مدایح بر ویژگی هدایتگری این بزرگواران تأکید شده است. در بیان هدایتگری اهل بیت علیهم السلام همین بس که برای هدایت مردم بزرگ ترین رنج ها و مصایب عصر خویش را متحمل شدند تا آدمی را به راه راست رهنمون شوند. سبیل این هدایتگری امام حسین علیه السلام است که پیامبر درباره ایشان فرموده است: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ»، «حسین علیه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است.» (بحرانی، ۱۴۱۳: ۵۲/۴؛ سیاوشی و واعظی، ۱۳۹۲: ۱۲۸) تعبیر شاعر از اهل بیت علیهم السلام به کشتی نجات بشریت را می توان اقتباس معنایی از حدیث مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله دانست که می فرمایند: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَى، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (دیلمی،

۱۴۱۲: ۳۰۶/۲)، «همان مثل اهل بیت علیهم‌السلام من در میان شما همانند کشتی نوح علیه‌السلام است. هر که به آن راه یابد، رهایی یابد و آن کس که از داخل شدن در این کشتی، خودداری ورزد، غرق گردد.» شاعر با اشاره به اهل بیت علیهم‌السلام که همگی کشتی نجات و هدایتگر انسان هستند به امام حسین علیه‌السلام اشاره کرده که وی از سلاله اصیل خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ترازوی برتری در روز قیامت است که انسان‌ها را به سوی عظمت و بزرگی می‌کشاند:

هُم قِبْلَةٌ لِلسَّاجِدِينَ وَكَعْبَةٌ
لِلطَّائِفِينَ وَشِعْرٌ وَبَطَائِحُ
طُرُقُ الْهُدَى سُنُنُ النَّجَاةِ مُجِبُّهُمْ
مِيزَانُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ زَاجِحُ

(برسی، ۲۰۱۵: ۶۶)

قَوْمٌ هُمْ الْآلُ-آلُ اللَّهِ- مَنْ عَلَقَتْ
شَطْرُ الْأَمَانَةِ مَوَاجِ النَّجَاةِ إِلَى
بِهِمْ يَدَاهُ نَجَاةٌ مِنْ لُجَّةِ الضَّرَرِ
أَوْجِ الْعُلُومِ وَكَمْ فِي السَّطْرِ مِنْ عِبَرِ

(همان، ۱۱۵)

«آن‌ها قبله فقیران و کعبه‌ای برای مذاهب و شعر و رودخانه‌ای بخشنده هستند/راه هدایت، کشتی نجات و دوستان آنان در روز قیامت ترازوی اعمالش سنگین تر است/تنها این جماعت خاندان رسول خدا (آل الله) هستند، هر کس به آنان چنگ زند از دریای عمیق زیان نجات خواهد یافت./ بخشی از معراج نجات به سوی بزرگی و عظمت هستند.»

۱۰-۵: جنبه‌های اعتقادی

برسی در ضمن برخی از مرثیه‌های خود با اشاره به برخی از مفاهیم برخاسته از واقعه عاشورا به صورت ضمنی به ذکر مشخصه‌های اعتقادی امام حسین علیه‌السلام و دیگر شهدای کربلا پرداخته که در زیر به برخی از این موارد اشاره شده است:

۱۰-۵-۱: استقبال از شهادت

استقبال از شهادت و عدم ترس از مرگ، از عواملی است که سبب خلق حماسه‌ای جاودانه از امام حسین علیه‌السلام و یارانش در طول تاریخ شده است؛ به عبارتی، همین ویژگی اعتقادی سبب شد که امام علیه‌السلام و دیگر شهدای کربلا شجاعانه در کارزار قدم نهادند و جان خود را در مسیر احیای حق

قرار دادند. مشهور است که این سخن منسوب به حضرت قاسم فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام است. گفته اند در شب عاشورا در پاسخ عمومی بزرگوارش امام حسین علیه السلام که از او پرسید: «مرگ نزد تو چگونه است؟» عرض کرد: «مرگ برای من شیرین تر از عسل است.» (بحرانی، بی تا: ۲۱۵/۴) شاعر در بیت زیر با بیان این ویژگی یاران امام علیه السلام که مرگ را برترین هدف می دانستند به این روایت اشاره می کند و شهادت را شهدی شیرین معرفی می نماید:

يَرَوْنَ الْمَنِيَا نِيْلَهَا غَايَةُ الْمُنَى
إِذَا أُشْتُشَهُدُوا أَمْرُ الرَّدَى عِنْدَهُمْ شَهْدُ

(برسی، ۲۰۱۵: ۱۱۶)

«رسیدن به مرگ را نهایت آرزو می دانند، آن گاه که شهید می شوند (از آن ها طلب شهادت می شود) دستور مرگ در نزد آن ها هم چون شهد است.»

۵-۱۰-۲: دوری از ذلت

امام حسین علیه السلام بر سر دو راهی مرگ و پذیرش زندگی همراه با ذلت و خواری، شهادت را برگزید و آن را به عنوان شعاری برای قیام خود قرار داد؛ امری که مفهوم برخاسته از آن به عنوان نمادی برای مبارزه و عدم پذیرش هر نوع حکومت استبدادی قرار گرفت؛ برسی در ضمن ابیاتی از زبان حال امام حسین علیه السلام، دوری از ذلت را مایه فخر اهل بیت علیهم السلام دانسته و این گونه به آن اشاره کرده است:

إِذَا سَامَ مِثْلَ الدَّهْرِ يَوْمًا مَذَلَّةً
فَهَذَّاتِ يَأْتِي رَبُّنَا وَلَهُ الْحَمْدُ

(همان، ۸۵)

«اگر روزی روزگار قصد خوار ساختن ما را داشته باشد؛ دور باد! که پروردگاران که ستایش تنها برای او است (به یاریمان) می آید.»

۵-۱۰-۳: اعتقاد به رضای الهی

رضایت الهی از جمله مسایلی است که در مسیر ایمان بنده به خداوند سبحان شکل می گیرد؛ و حاصل آن آرامشی مطلق در بنده است؛ و این مصداق این آیه شریفه از قرآن کریم می باشد که خداوند آرامش بنده را در گرو ذکر خداوند و اعتماد به او به عبارتی رضای از اوست دانسته است:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ «بدانید تنها با ذکر خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.» (رعد/۲۸) امام حسین علیه السلام در این مسیر با صبر و تحمل سختی‌ها در آرامشی بی‌مثال قرار داشت؛ آرامشی که ایشان را برای انجام تکالیف الهی مصمم‌تر کرد و موجب آن شد که برای غلبه حق علیه باطل به وعده الهی اطمینان خاطر داشته باشد؛ از این رو، امام حسین علیه السلام خطاب به خواهر گرامی‌شان ابراز می‌دارند که در برابر شهادت وی عجز و ناله‌ای نکند و اندوهی به دل راه ندهد، چرا که این امر بر اساس رضای الهی بوده است و کوچک‌ترین پاداشی در این راه ضایع نمی‌ماند:

أَلَا فَاسْمِعِي يَا أُخْتُ إِنْ مَسَّنِي الرَّدَى
فَأَرْضِي بِمَا يَرْضَى إِلَهُكَ وَأَصْبِرِي
فَلَا تَلْطِمِي وَجْهًا وَلَا يَخْمِشِ الْخُدَى
فَمَا صَاعَ أَجْرُ الصَّابِرِينَ وَلَا الْوَعْدَى

(همان، ۸۶)

«هان! ای خواهرم گوش کن؛ مرگم فرا رسید نه سبلی بر صورت بز و نه گونه‌ات را زخمی کن/ او به آنچه پروردگارت راضی است، راضی باش و صبر پیشه کن؛ که نه صبر صابران و نه وعده (خداوند) ضایع نمی‌شود.»

۵-۱۰-۴: شفاعت امام حسین علیه السلام

توسل و شفاعت خواهی همواره یکی از مضامین عمده مدح امامان علیهم السلام بوده که غالباً مدیحه سرایان پس از ستایش خداوند، قصاید خود را به آن متبرک نموده و شفاعت بزرگان دین را به عنوان پاداش اظهار ادب و ارادت خویش قلمداد کرده‌اند؛ لیکن این امر به تدریج به مرثیه‌های حسینی وارد شده است و شاعران پس از رثای امام حسین علیه السلام، آن را به عنوان حسن ختام مرثیه‌های خود قرار داده‌اند؛ برسی نیز با اهتمام به این شیوه با شفاعت خواهی از امام حسین علیه السلام و طلب گشایش و امید به دادخواهی ایشان در قیامت، مرثیه خود را پایان می‌دهد:

مَدَدْتُ إِلَيْكَ يَدًا وَأَنْتَ مَنِئِلُهَا
يَرْجُو بِهَا (رَجَبُ) الْقُبُولِ إِذَا أَتَى
يَا بَنَ النَّبِيِّ وَعَنْ خَطَايَا صَافِحُ
وَهُوَ الَّذِي بِكَ وَاثِقٌ لَكَ مَادِحُ
أَنْتَ الْمَعَادُ لَدَى الْمَعَادِ وَأَنْتَ لِي
إِنْ صَاقَ بِي رَحْبُ الْبِلَادِ الْمُنْسُخُ
إِذَا مَا إِنِّي وَالْحَشْرُ صَاقَ بِهِ الْحَشْدُ
كَفَاهُ فَخَرًّا أَنَّهُ لَكُمْ عَبْدُ
رَجَا رَجَبُ رَحْبِ الْمَقَامِ غَدًا
وَعَبْدُكُمْ الْبُرْسِيُّ مَوْلَى فِخَارِكُمْ

(همان، ۷۷)

«دستی را به سمت تو دراز کردم که گیرنده آن تویی ای پسر پیامبر و از خطاهای آن درگذرنده‌ای. / به وسیله آن - رجب - امید پذیرش را زمان آمدن دارد، او کسی است که به تو اعتماد دارد و مدح کننده تو است. / تو خود معادی در قیامت و معاد من آن زمان که همه چیز بر من تنگ می‌شود تو خود گشایش هستی. / رجب! امید گشایش مقام را دارد آن‌گاه که در قیامت به وسیله انبوه مردم تنگ شد / بنده شما برسی، بنده فخر شما برای او از فخر همین اندازه کافی است که بنده شما است.»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

- ۱- شعر عاشورایی بخشی غیر قابل انکار از ادبیات شیعی را به خود اختصاص داده است، به طوری که در پرتو آن شاعران توانایی در عرصه ادبیات عربی پای نهاده‌اند؛ شیخ حافظ رجب برسی، از ادیبان به نام شیعی است که عمده تلاش خود را در جهت فرهنگ این مذهب به کار گرفته است؛
- ۲- اوج عاطفه راستین شاعر نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان در مرثیه‌های حسینی‌ای مشاهده کرد که شاعر در آن علاوه بر جنبه عاطفی به زوایایی متعدد از این حماسه پرداخته است؛
- ۳- وی در توصیف شهامت و دلاوری امام حسین علیه‌السلام از برخی تعابیر شعر حماسی بهره برده و به خوبی توانسته است گوشه‌ای از شجاعت امام علیه‌السلام را در بطن این تعابیر بیان کند؛
- ۴- شاعر در این قصاید برای حاکم کردن فضای اندوه و به تصویر کشیدن آن در مرثیه‌ها، از برخی اسالیب علم معانی به ویژه اسلوب منادا، تمنی و نیز استفهام بهره برده و با استفاده از صنعت تشخیص (جان‌بخشی) توانسته است عالمگیر بودن حادثه کربلا را نمایان ساخته و در پس آن بر عظمت این حادثه تأکید کرده است؛
- ۵- ترسیم سیمای مظلومانه امام حسین علیه‌السلام برجسته‌ترین مضمونی است که شاعر ذیل مفاهیمی هم‌چون غربت امام علیه‌السلام، تشنگی، عریان شدن جسم مطهر پس از شهادت و عدم کفن و دفن آن و ... به آن‌ها اشاره کرده است؛
- ۶- شاعر به دنبال آن بوده است تا در این قصاید با معرفی برخی شخصیت‌های محوری حادثه کربلا از قبیل حضرت زینب علیها‌السلام، حضرت سکینه علیها‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام و بیان احوال آنان، فضای موجود واقعه کربلا را برابر خواننده مجسم کند.

منابع و مآخذ

- ۱- آل‌بویه لنگرودی، عبدالعلی و نرگس انصاری (۱۳۸۹)، *سیمای امام حسین علیه السلام در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی (با تکیه بر اشعار برجسته شاعران سده اخیر)*، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۶-۳۵.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (بی‌تا)، *امالی شیخ صدوق*، تهران: کتابچی.
- ۳- بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۶)، *سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن*، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ سوم، تهران: آفاق.
- ۴- _____، (بی‌تا)، *مدینة الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج علی البشر*، جلد ۴، قم: کتابخانه مدرسه فقهات.
- ۵- پور احمدی، حسین (۱۳۸۳)، *عزاداری امام حسین علیه السلام در محضر امامان شیعه علیه السلام*، فصلنامه ادیان، مذاهب و عرفان، شیعه شناسی، شماره ۸، صص ۱۱۵-۱۲۸.
- ۶- توکلی محمدی، محمودرضا و محسن قربانی حسنارودی (۱۳۹۵)، *بررسی تطبیقی رثای امام حسین علیه السلام در شعر شریف رضی و محتشم کاشانی*، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۸، شماره ۱۵، صص ۴۴-۶۵.
- ۷- جارم، علی و مصطفی امین (۱۳۸۴، ۱۴۲۵)، *البلاغة الواضحة*، قم: مؤسسة الصادق علیه السلام.
- ۸- حسینی مرعشی، نورالله (۱۳۶۲)، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامّة.
- ۹- حکیم، محمد رضا (۱۳۷۷)، *امام حسین در شعر معاصر عربی*، چاپ اول، تهران: آگاه.
- ۱۰- خزعلی، انسیه (۱۳۸۳)، *امام حسین علیه السلام در شعر معاصر عربی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۱- دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲)، *ارشاد القلوب*، قم: الشریف الرضی.
- ۱۲- سیاوشی، صابره و گلفام واعظی (۱۳۹۲)، *شخصیت نمادین امام حسین علیه السلام در شعر شریف رضی*، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک شناسی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۱۳-۱۳۶.
- ۱۳- فلاح، ابراهیم (۱۳۹۰)، *بازتاب حماسه عاشورا در اشعار برخی از شعرای عصر عباسی*، نشریه دانشنامه، شماره ۸۱ (ادبیات عربی)، صص ۱۴۵-۱۵۷.
- ۱۴- مجموعه محققان (۱۳۸۷)، *زیارت ناحیه مقدسه*، قم: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران.
- ۱۵- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، *حماسه حسینی*، تهران: صدرا.
- ۱۶- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام لإحياء التراث.
- ۱۷- هاشمی، احمد (۱۳۷۰)، *جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع*، بیروت: مکتبه العصرية.